

تکمله‌ای بر مقاله «مثل‌ها و مثل‌واره‌های فارسی در نامه‌های عین‌القضات همدانی»

سلمان ساکت

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

Saket@ferdowsi.um.ac.ir

یکی از بهترین مجموعه مقالاتی که در سال‌های اخیر در حوزه پژوهش‌های ایران‌شناسی تدوین و منتشر می‌شود، «مزدک‌نامه» است که هر ساله به کوشش جناب آقای جمشید کیان‌فر و به مناسبت سالگرد درگذشت فرزندشان، مزدک کیان‌فر، به طبع می‌رسد.

اینجانب که بر خود تکلیف کرده‌ام تا در حد بضاعت اندک خویش، برای هر شماره این مجموعه، نوشته‌ای به ایشان تقدیم کنم، چندی پیش از زمان معمول، مقاله‌ای را با عنوان «مثل‌ها و مثل‌واره‌های فارسی در نامه‌های عین‌القضات همدانی» به رشته تحریر در آوردم و برای چاپ در شماره ۶ «مزدک‌نامه»، برای آن بزرگوار فرستادم. پس از مدتی، با یافتن سه مثل تازه در مکتوبات عین‌القضات و افزودن نکته‌ای کوتاه به یکی از مثل‌ها، صورت کامل‌تر مقاله را تنظیم و برای ایشان ارسال کردم، ولی متأسفانه در گیرودار مشکلات فراوانی که دامنگیر طبع و انتشار این شماره شد، همان صورت قبلی به چاپ رسید. از آنجا که ممکن است آن مقاله مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد، بر آن شدم تا آن سه مثل جا افتاده و توضیح تکمیلی را در اینجا عرضه کنم. در پایان هم برای بهره‌گیری آسان‌تر، فهرست کامل شده مثل‌ها و مثل‌واره‌های فارسی را در جدولی ارائه و بودن یا نبودن مثلی مشابه را در امثال و حکم دهخدا نشان داده‌ام.

الف) سه مثل جا افتاده:

۱- از کوزه همان برون تراود که در اوست (ج ۱، ص ۴۲۵، ب ۱۷۱)؛ بنگرید به: دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴۲/۱.

۱ در این یادداشت «ج» نشانه جلد، «ص» نشانه صفحه و «ب» نشانه بند است.

۲- هندو را به آسیا که دید؟ (ج ۱، ص ۴۵۴، ب ۷۵۷)؛ به نوشته عین‌القضات مثلی همدانی است. از این مثل در هیچ منبعی نشانی نیافتم، اما شاید با مثل معروف «کار هند و باژگونه است» (دهخدا، همان: ۱۱۸۲/۳) پیوندی داشته باشد.

۳- خرمن سوخته را جز خرمن سوختگان نشناسند (ج ۱، ص ۴۵۵، ب ۷۵۸)؛ معادل مثل عربی «أَلْتَكَلِي تُحِبُّ التَّكَلِي» است^۲ (وطواط، ۱۳۷۶: ۵۹-۶۰) که در قره‌العین و ترجمان البلاغه به صورت «خرمن سوخته، سوخته خواهد خرمن» (قره‌العین، ۱۳۵۴: ۱۳ و رادویانی، ۱۳۸۰: ۲۰۷) و در امثال و حکم به صورت «خرمن سوخته همه را خرمن سوخته خواهد» آمده است (دهخدا، همان: ۷۳۶/۲).

ب) توضیح تکمیلی:

ذیل مثل شماره ۱۷ یعنی «استربان را سرد نباید گفت» (ج ۲، ص ۱۹۶، ب ۲۹۰) که در صورت منتشر شده در مزدک‌نامه ۶ بدون هیچ توضیحی آمده است، باید افزود: در اسرارالتوحید، بیت زیر از زبان شیخ ابوسعید آمده است که مصرع نخست آن کاملاً شبیه مثل مورد نظر ماست:

استربان را سرد نباید گفتن

کورا خویشست غریبی و شب رفتن

(محمد بن منور، ۱۳۶۶: ۱۳۱/۱)

جالب آنکه در یکی از نسخ به جای «استربان»، «استربان» نوشته شده است (بنگرید به: همان: ۳۹۳/۱).

در مقاله منتشر شده در مزدک‌نامه ۶، شعر ناصر خسرو که ذیل مثل ۲۲، یعنی «با خدا دوال بازی کردن» (ج ۲، ص ۳۷۲، ب ۵۷۹) آمده است، افتادگی دارد و به صورتی نادرست چاپ شده است. صورت صحیح آن چنین است:

ای منافق یا مسلمان باش یا کافر به دل

چونت باید با خداوند این دوالک باختن؟

(ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۲۶۵)

^۲ رشیدالدین و طواط این مثل را به «زن فرزندمرده دوست دارد زن فرزندمرده را» برگردانده و در توضیح آن نوشته است: «زن فرزندمرده بدان سبب زن فرزندمرده را دوست دارد که او را برگریستن و جزع کردن موافقت نماید و بدان خرسندی یابد» (وطواط، ۱۳۷۶: ۵۹).

امثال و حکم دهخدا	مثل‌ها و مثل‌واره‌ها در نامه‌های عین‌القضات	
ج ۱ / ص ۱۷۰	ج ۱ / ص ۱۰۰	۱. اسبی که صفیرش نرنی خوش نخورد آب
--	ج ۱ / صص ۱۲۳ و ۳۰۳	۲. از باغ امیر گو خلالی کم باش (کم گیر)
--	ج ۱ / ص ۱۲۳ و ج ۲ / ص ۴۲۴	۳. بازرگانی به بددلی نتوان کرد
ج ۲ / ص ۸۶۵	ج ۱، ص ۱۵۳	۴. رستم را هم رخس رستم کشد
--	ج ۱ / ص ۲۰۸	۵. دیوانگان را سلسله جنبانیدن هم نوعی از دیوانگی است
--	ج ۱ / ص ۲۰۹	۶. مصیبت زده‌ای بایستی تا اندوه خود با او بگفتی
--	ج ۱ / ص ۲۰۹	۷. سودا در دماغ می پیچد
--	ج ۱ / ص ۲۸۲	۸. گوی آنجا تواند بود که فرمان چوگان بود
ج ۱ / ص ۵۴۴	ج ۱ / ص ۳۰۷ و ج ۱ / ص ۴۶۸	۹. ترسم که چو بیدار شوی روز بود
--	ج ۱ / ص ۳۲۶	۱۰. مگر کفن به گازر است
--	ج ۱ / ص ۳۵۹	۱۱. تقدیر که شاه رخ زند چنین زند
ج ۱ / ص ۱۴۲	ج ۱ / ص ۴۲۵	۱۲. از کوزه همان تراود که در اوست
ج ۲ / ص ۵۸۴	ج ۱ / ص ۴۴۴ و ج ۲ / ص ۴۴۶	۱۳. مر جغدان را نسازد آبادانی
--	ج ۱ / ص ۴۵۴	۱۴. هندورا به آسیا که دید؟
ج ۲ / ص ۷۳۶	ج ۱ / ص ۴۵۵	۱۵. خرمن سوخته را جز خرمن سوختگان نشناسند
ج ۱ / ص ۱۴ و ج ۲ / ص ۹۳۳	ج ۲ / ص ۸۳؛ ج ۲ / ص ۱۷۴ و ج ۲ / ص ۴۷۴	۱۶. سنگ از بر آبگینه شامی دور
ج ۳ / ص ۱۲۹۷	ج ۲ / ص ۱۰۲	۱۷. گر صبر کنی درم درم سود کنی
ج ۲ / ص ۹۹۳	ج ۲ / ص ۱۷۴	۱۸. باد را با پشه هرگز آشنایی نبود
ج ۴ / ص ۱۸۵۰	ج ۲ / ص ۱۷۵	۱۹. نه از پیش راه و نه با پس آمدن روی
ج ۱ / ص ۴۴۵	ج ۲ / ص ۱۸۹	۲۰. مرغابی را از آب طوفان چه باک؟
--	ج ۲ / ص ۱۹۶	۲۱. استربان را سرد نباید گفت
--	ج ۲ / ص ۱۹۸	۲۲. جز گوی بودن در میدان تقدیر روی نیست
ج ۲ / ص ۷۳۱	ج ۲ / ص ۲۷۶	۲۳. خرفت و رسن ببرد و بار تو بماند
ج ۲ / ص ۸۸۶	ج ۲ / ص ۳۲۳	۲۴. ریش گاو
ج ۲ / ص ۵۹۲ و ج ۳ / ص ۱۳۲۷	ج ۲ / ص ۳۷۲	۲۵. گندم‌مای جو فروش

ج ۲ / ص ۸۳۰	ج ۲ / ص ۳۷۲	۲۶ - با خدا دوال بازی کردن
ج ۲ / ص ۷۴۸	ج ۲ / ص ۳۷۲	۲۷ - خواب خرگوشی دادن
--	ج ۲ / ص ۴۴۸	۲۸ - از دریا هر که آب خورد سیر شود
ج ۴ / ص ۱۸۶۲	ج ۳ / ص ۲۸۴	۲۹ - نه هر که رفت رسید و نه هر که کشت درود
--	ج ۳ / ص ۳۱۵	۳۰ - بر در ماندن چون حلقه
--	ج ۳، ص ۳۹۵	۳۱ - مرکب سلطان جز سلطان را نشاید
ج ۱ / ص ۲۶۴	ج ۳ / ص ۳۹۶	۳۲ - الف از ناطف نشناختن
--	ج ۳ / ص ۴۱۴	۳۳ - سگ بسته و در باز

منابع

- محمدبن منور. ۱۳۶۶، اسرار التوحید، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
- ناصر خسرو. ۱۳۵۳. دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- وطواط، رشیدالدین. ۱۳۷۶. لطایف الامثال و طرایف الاقوال، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: حبیبه دانش آموز، تهران: میراث مکتوب، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷، امثال و حکم، تهران: امیرکبیر، چاپ دهم.
- رادویانی، محمدبن عمر. ۱۳۸۰، ترجمان البلاغه، به اهتمام و تصحیح احمد آتش، به کوشش توفیق هـ. سبحانی و اسماعیل حاکمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قره العین، (مؤلف ناشناس). ۱۳۵۴، به اهتمام امین پاشا جلالی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.

* * *

بر تملک

جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
خوزه وزارتین

شماره: ۱/۹۵/۱۱۳۶۴۷
تاریخ: ۱۳۹۵/۰۲/۱۱
پیوست:

مسال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل

جناب آقای ایرانی
مدیر عامل محترم مرکز پژوهشی میراث مکتوب

سلام علیکم

احتراماً، نامه شماره ۷۹۰۰۰ مورخ ۹۵/۲/۶ جنابعالی در خصوص گزارش فعالیت ها و عملکرد آن مرکز در سال ۱۳۹۴ در تاریخ ۹۵/۲/۹ به استحضار مقام عالی وزارت رسید؛ مرقوم داشتند:

« ملاحظه شد
تلاش ارزنده ای صورت گرفته و قابل تقدیر و سپاسگزاری است»

محمدعلی منفرد
مشاور وزیر و مدیر کل خوزه وزارتین

۱۱۸۰۳۰

میدان بهارستان، خیابان کمال الملک
تلفن: ۳۳۶۶۰۰۴-۴
نمبر: ۳۳۶۶۰۰۷